



Police Civil Liability in Relation to Culture and Citizenship Rights

Hamid Bazr Pach

*Assistant professor of private law, Hashtgerd, Iran.
mahdi.sajadikia@gmail.com
(Corresponding author)

Farzad Karimi Khanjari

PhD candidate in private law, university of Shiraz, Shiraz, Iran.
farzad.karimi.khanjari73@gmail.com

Mahdi Hashemi Golijani

MA in private law, university of Shiraz, Shiraz, Iran.
mahdihashami61@gmail.com

Mahmud Elmi

Associate professor of Sociology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.
elmi@iaut.ac.ir

Received: 2022/10/01

Accepted: 2022/04/06

DOI:

10.22034/JPCS.2022.211202.1066



ABSTRACT

Citizenship rights, justice, and culture are the concepts tied to each other to some extent, and the observance of citizenship rights is paramount after the fulfillment of primary human needs. Civil liability has been considered as an important issue regarding the government official's actions by various legal systems. The police, as a government agent, is also studied in the same group in its organizational activities. The duties that the police perform, even with a superior order and in the performance of their legal duties, may have consequences that violate the rights of citizens. This research has been compiled by analytical-descriptive and library method. The results of this research illustrate that the damages caused to others by police actions are supposed to be compensated by the officer or the government. Citizens informing about their rights and training of officers in this regard helps a lot.

Keywords: Police, Compensation, Citizenship Rights, Culture, Civil Liability.

► **Citation (Vancouver):** Asadzadeh H, Tadamini N, Asgharnejad AA. The role of cultural attitude in psycho-social security of witness and self-sacrificing families. *Police Cultural Studies Quarterly*. Spring 2022; 9(1): 31-41.

► **Citation (APA):** Asadzadeh, H., Tamdani, N., Asgharnejad, A. (Spring 2022). The role of cultural attitude in psycho-social security of witness and self-sacrificing families. *Police Cultural Studies Quarterly*, 9(1), 31-41.

مسئولیت مدنی پلیس در رابطه با فرهنگ و حقوق شهروندان

چکیده

حقوق شهروندی، عدالت و فرهنگ مفاهیمی هستند که با یکدیگر تا حدودی گره خورده‌اند و رعایت حقوق شهروندی پس از رفع نیازهای ابتدایی انسانی، در درجه نخست قرار دارد. مسئولیت مدنی، به‌عنوان یک مبحث مهم در ارتباط با اعمالی که از مأموران دولتی سر می‌زند، مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است. پلیس در مقام مأموری از جانب دولت، در اعمال سازمانی خود، در این دسته مطالعات جای می‌گیرد. وظایفی که پلیس حتی با دستور مافوق و با انجام وظایف قانونی خود انجام می‌دهد، ممکن است دارای تبعاتی باشد که حقوق شهروندان را نقض نماید. این پژوهش، به‌روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد خسارتی که از اعمال پلیس به دیگران وارد می‌شود لازم است حسب مورد، به‌وسیله مأمور یا دولت جبران شود. آگاه‌سازی شهروندان از حقوق قانونی خود و آموزش مأمورها در این زمینه کمک بسیاری می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پلیس، جبران خسارت، حقوق شهروندی، فرهنگ، مسئولیت مدنی.

حمید بذریچ

* استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران.
hamid.bazrpach@hiau.ac.ir
(نویسنده مسئول)

فرزاد کریمی خنجری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Farzad.karimi.khanjari73@gmail.com

مهدی هاشمی گلیجانی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

mahdihashami61@gmail.com

محمود علمی

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

elmi@iaut.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۳۱-۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/JPCS.2022.211202.1066

◀ **استناد (ونکوور):** اسدزاده ح، تمدنی ن، اصغر نژاد ع ا. نقش نگرش فرهنگی در امنیت روانی-اجتماعی خانواده های شاهد و ایثارگر. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس. بهار ۱۴۰۱، ۹(۱): ۳۱-۴۱.

◀ **استناد (APA):** اسدزاده ح، تمدنی ن، اصغر نژاد، ع ا. (بهار ۱۴۰۱). نقش نگرش فرهنگی در امنیت روانی-اجتماعی خانواده‌های شاهد و ایثارگر. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ۹(۱)، ۳۱-۴۱.

هر فرد در هر جامعه‌ای، دارای یک‌سری حقوق است که لازم است مورد احترام حکومت آن جامعه قرار گیرد، وگرنه پایه و اساس چنین حکومتی متزلزل خواهد شد. رعایت این حقوق به وسیله پلیس از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. پلیس به منظور برقراری نظم و امنیت و مقابله با اخلال‌گران دارای اختیارات خاصی است که قانون به پلیس اعطا کرده است و ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و حقوق شهروندی دارد. گاهی، همین اختیارات به نقض حقوق شهروندی و خسارت منجر می‌شود.

حقوق شهروندی را می‌توان این‌گونه عنوان کرد: مجموعه حقوقی که یک فرد به وسیله زندگی در یک قلمرو جغرافیایی خاص، از آن برخوردار می‌شود، اعم از حق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (بیرانوند و همکاران، ۱۳۸۹).

در نظام‌های حقوقی همواره صیانت از حقوق شهروندی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و شهروند به‌عنوان مرکز جامعه به‌خصوص در اندیشه نوین بحث محوری پیدا می‌کند. شهروندی و حقوق مختص به آن اگر مطابق اصول مقرر شود، جامعه مدنی را در پیش خواهد داشت.

کارکنان دولت، مانند قاضی و پلیس ممکن است مانند شهروندان عادی در زندگی معمولی، جدای از ویژگی‌های شغلی خود خساراتی را به دیگران وارد کنند. این خسارات تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. همچنین، ممکن است در مقام حرفه‌ای خود خساراتی را ایجاد کنند، مسئولیت این خسارات با توجه به شغل و مناسبت‌های مربوط به آن مطرح می‌شود. در چنین وضعیتی از یک سو، رعایت قواعد ویژه مسئولیت حرفه‌ای و شغلی و از سوی دیگر، مسئولیت مدنی دولت و جبران خسارت از طرف نهاد مورد نظر ضرورت پیدا می‌کند.

مسئولیت مدنی به این معناست که مسئولیت در مقام خسارتی است که شخص به دیگری وارد می‌کند. همچنین، مسئولیت شخص به این معنی است که تخلف از انجام

تعهدات به‌عنوان تخلف از قرارداد هم ذکر شده است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰). «مسئولیت» وقتی در معنای عام و وسیع خود مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از «جبران ضرر». در حقوق ایران، برای مبنای مسئولیت مدنی نظرات مختلفی ارائه شده است، اولین نظریه‌ای که ارائه شده است، نظریه تقصیر است که طرفداران زیادی نیز دارد. براساس این نظریه، شخص در صورتی ملزم به جبران خسارت است که مرتکب تقصیری شده باشد. در تعریف تقصیر نیز تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی این چنین آمده است: تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است که هم فعل و هم ترک فعل را دربرمی‌گیرد. نظریه تقصیر در ایران با تصویب قانون «مسئولیت مدنی» به‌عنوان یک اصل و قاعده کلی در مسئولیت مدنی پذیرفته شد، زیرا ماده یک قانون مذکور تکیه بر نظریه تقصیر دارد و دایره شمول آن از قانون مدنی عام‌تر است. نظریه خطر از دیگر نظریاتی است که ارائه شده است؛ مطابق این نظریه، برای مسؤول دانستن شخص کافی است که رابطه علیت بین عمل زیان‌بار و خسارت وارده احراز شود و وجود تقصیر برای مطالبه خسارت ضروری نیست، مانند مسئولیت متلف که در ماده ۳۲۸ قانون مدنی آمده است. نظریه دیگری که در نظام حقوقی ایران وجود دارد، نظریه تضمین حق است. مطابق این نظریه، اگر حقی از بین برود، عامل آن ملزم به جبران است و قوه قاهره برخلاف دو نظریه قبلی رافع مسئولیت او نخواهد بود، همانند مسئولیت غاصب که در مواد ۳۰۸ تا ۳۲۶ قانون مدنی بیان شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴).

مسئولیت مدنی مأموران دولتی، همچون پلیس در برابر مردم به این معنی است که اگر در نتیجه اعمال دولت، خواه حاکمیتی و خواه تصدی‌گری به اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی خسارت وارد شود، دولت مسؤول جبران آن خواهد بود. این امر براساس قاعده کلی جبران خسارت است که طبق آن هر کس به دیگری زیانی برساند، باید آن را جبران نماید.

یافته‌ها

در این بخش، به ارائه یافته‌های این پژوهش به تفکیک می‌پردازیم. ابتدا مسؤلیت مدنی پلیس، سپس قصور از وظایف پلیس و در نهایت مصادیق نقض حقوق شهروندان و جبران خسارت از جانب پلیس را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

• مسؤلیت مدنی پلیس

علت این که در برخی موارد برای پلیس مسؤلیت مدنی قرار داده شده، نقض آن دسته از حقوق شهروندی است که نشئت گرفته از فرهنگ و عرف است. به عنوان مثال، فرهنگ جامعه به گونه‌ای شکل گرفته که ورود پلیس و یا هر نوع مأمور دولتی به حریم خصوصی افراد را در مقابل خود می‌بیند و آن را نمی‌پسندد. بنابراین، ورود به حریم شخصی افراد که در تقابل با فرهنگ قرار دارد، قانون‌گذار را مجاب به پیش‌بینی مقرره‌ای می‌کند که در این راستا بتواند صیانت از فرهنگ را به عمل آورد. باید توجه داشت که وارد کردن خسارت به دیگران، در این گونه مشاغل (با توجه به ماهیت این مشاغل) بسیار محتمل است. با در نظر گرفتن شغل و حرفه خاص پلیس، او مسؤلیتی‌هایی دارد که در ادامه آمده است. ضابطین با توجه به وظایف و شرایط شغلی خود اقداماتی می‌نمایند که در پی اقدام صورت گرفته ممکن است، مسؤلیتی متوجه آنان شود. با توجه به مبانی حقوقی و قوانین مربوط می‌توان مسؤلیت را به شکل زیر تقسیم کرد:

۱. حادثه زیان‌باری از فعل انجام شده ناشی گردد و تقصیر هم در این حادثه وجود داشته باشد. در واقع، ضابطین به علت تقصیری که دارند، مباشر شناخته شده و در برابر اشخاصی که از حادثه زیان دیده‌اند و خسارتی به آنان رسیده است، مطابق قواعد عمومی مسؤلیت مدنی، مسؤلیت خواهند داشت.

۲. فعلی را مرتکب شده است که بی‌واسطه، حادثه زیان‌بار را رقم زده است، اما مأمور در خسارت وارده مرتکب تقصیری نشده است، بنابراین مأمور مسؤلیتی ندارد. مطابق ماده ۱۱ قانون مسؤلیت

اما، این قاعده در خصوص دولت‌ها به طور مطلق اجرا نمی‌شود؛ زیرا، دولت‌ها که خود واضع قوانین هستند، در بسیاری از موارد خود را مصون از جبران خسارت وارده تلقی می‌کنند. علت این امر این است که دولت آن عمل را در راستای حفظ منافع عمومی انجام داده است.

در همین حوزه تا کنون مطالعاتی صورت گرفته که دال بر اهمیت آن است. برای نمونه، هاشمی و همکاران (۱۴۰۰) معتقدند که رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس از جمله وظایف آن شناخته می‌شود و در اغلب نظام‌های حقوقی جهان از قبیل ایران، فعل زیان‌بار از ارکان مسؤلیت مدنی پلیس است و تقصیر را به عنوان مبنای مسؤلیت مدنی پلیس پذیرفته‌اند. رحیمی و خیاطی‌گرگری (۱۳۹۵) اظهار می‌دارند که اگر خود زیان‌دیده نیز در ایجاد چنین خسارتی مشارکت داشته باشد، به صورت جزئی یا کلی از مطالبه خسارت محروم می‌شود. به طور کلی در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که «آیا پلیس مسؤل خسارت وارد شده در حین مأموریت خود است؟ و این که آیا قوانین فعلی به نحو دقیقی مسئله حقوق شهروندی را تبیین کرده‌اند؟»

فرضیه پژوهش

- پلیس و دولت مسؤل جبران خسارت شهروندان هستند.

روش پژوهش

در این پژوهش، به شیوه کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به بررسی مسؤلیت مدنی پلیس در رابطه با فرهنگ و حقوق شهروندان پرداخته‌ایم. به این معنا که براساس قوانین و آیین دادرسی چگونگی و چرایی جبران خسارت از سوی مأمور یا دولت در موارد آسیب به شهروندان را تحلیل و تشریح کرده‌ایم.

• قصور شغلی پلیس در انجام وظیفه

در توضیح تقصیر شغلی در موضوع مطرح شده اظهارات متفاوتی دیده می‌شود. برخی گفته‌اند که مقصود از تقصیر شغلی، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است، مرتکب می‌شوند. با توجه به این که در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نیز به موضوع مورد بحث تحت دو عنوان «در حین انجام کار» و «به مناسبت انجام کار» اشاره کرده است، در خصوص تقصیر در حین انجام وظیفه گفته شده است که اگر پلیس در پی بازداشت متهم به او تیراندازی کند و به صورت تصادفی به او اصابت کرده و به قتل برسد، شخص پلیس در حال انجام وظیفه مرتکب تقصیر شده است و تفاوتی ندارد که با دستور آمر یا بدون دستور او، با اطلاع آمر یا بدون اطلاع او باشد (السهنوردی، ۱۹۵۲).

مسئولیت مدنی شغلی در حقیقت به تقصیر شغلی بازمی‌گردد. به این صورت که در راستای انجام وظایف شغلی که در تبعیت از سازمان مربوط است، فعل و یا ترک فعلی سرزنند که با توجه به اصول قانونی تقصیر به حساب آید. به عبارت دیگر، باید در حیطه شغلی تقصیری رخ بدهد که سختی کامل با شغل و حرفه داشته باشد، زیرا صرف نظر و جدای از موارد خاص و استثنایی که در آنها تقصیر شرط مسئولیت مدنی به‌شمار نمی‌آید، در غالب موارد مبنای مسئولیت مدنی تقصیر قرار داده شده است. بنابراین، شناسایی و مشخص شدن تقصیر برای احراز مسئولیت مدنی در بعضی از مشاغل ضروری می‌نماید و تا تقصیر محرز نگردد، نمی‌توان قائل بر مسئولیت شخص شد.

با در نظر گرفتن این که پلیس در اعمال و اقدامات خود تابع ضوابط خاص شغلیست و ملزم است که مقررات ویژه حرفه خود را رعایت نماید. برای تشخیص رفتار یک پلیس که مرتکب تقصیر شده است، باید از ملاک نوعی با توجه به شرایط شغلی استفاده کنیم. به این شکل که رفتار یک پلیس متعارف را ملاک سنجش قرار دهیم، نه یک شهروند عادی و در صورتی که مطابق با رفتار یک پلیس عادی و متعارف عمل ننمود، تقصیر را احراز نماییم، زیرا در مقررات

مدنی اگر خسارت وارده ناشی از نقص وسائل و تجهیزات مربوط باشد، جبران خسارت برعهده همان اداره، به‌عنوان یک شخصیت حقوقی است.

۳. فعلی انجام شده است که با واسطه، حادثه زیان‌بار و خسارت دیگری را به وجود آورده است. در این صورت، مسئولیت جبران خسارت زمانی متصور است که فعل شخص، غیر مجاز و بدون مجوز و یا به‌بیان دیگر، فعل همراه با تقصیر باشد.

۴. فعلی از سوی مأموران انجام شده است که مطابق وظایفش، مجاز شناخته شود و این فعل به صورت غیر مستقیم و با واسطه به حادثه زیان‌بار و خسارت دیگری منتج شود. در این فرض، رابطه سببیت منتفی است، زیرا یکی از عناصر رابطه سببیت تقصیر است؛ در نتیجه، مسئولیت هم منتفی خواهد بود.

۵. ورود خسارت به اشخاص ثالث ضمن مأموریت پلیس، مانند فرضی که پلیس با رعایت تمام نظامات و احتیاط‌های لازم به‌سمت شخص فراری تیراندازی می‌کند، اما تیر خطا رفته و به شخص دیگری برخورد می‌کند. در این فرض، پلیس چون مرتکب تقصیری نشده است، مسئولیتی ندارد. ممکن است اظهار شود، از آن‌جا که پلیس به‌طور مستقیم موجب خسارت به ثالث شده است، بنابراین براساس قاعده اتلاف موضوع ماده ۳۲۸ قانون مدنی باید قائل بر مسئولیت پلیس باشیم، اما این نظر محل اشکال است، زیرا پلیس به‌عنوان مأمور دولت اقدام کرده است و در مورد مسئولیت آن‌ها در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی تعیین تکلیف شده است و مطابق این ماده هیچ مسئولیتی متوجه مأمور نیست. با توجه به این که در این بین شخص بی‌گناهی متضرر شده است و با توجه به ضرورت جبران خسارت، می‌توان اظهار داشت که دولت مسئول جبران خسارت است.

یادشده مسئولیت پلیس تابع تخلف از مقررات و ضوابط حرفه‌ای در نظر گرفته شده است (دهقانی، ۱۳۹۰). عدم رعایت و تخلف از مقررات می‌تواند به دو صورت فعل و ترک فعل ظهور داشته باشد. به این ترتیب که گاهی مطابق رفتار متعارف پلیس، عملی که نباید انجام شود، رخ می‌دهد، مانند توقیف خودرو در مکانی نامناسب و ممنوع و یا ورود به حریم شخصی افراد و گاهی عملی که باید انجام شودف ترک می‌گردد، مانند ترک محیط شغلی خود به‌طور خلاف مقررات که در نتیجه آن متهمان بگریزند.

• مصادیق مسئولیت‌های مدنی پلیس و نقض حقوق شهروندان

۱- مسئولیت مدنی ناشی از تعقیب

تعقیب و گریز افراد که به‌وسیله پلیس انجام می‌شود، یکی از دلایل مهم در ایجاد حوادث است که در مأموریت‌های پلیسی بسیار نمود دارد. در نظام حقوقی برخی کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، حقی برای تعقیب افراد به‌وسیله پلیس شناخته نشده است، مگر این‌که با دستور کتبی صورت گیرد یا این‌که بتوان به‌صورت معقولی احراز ارتکاب جرمی را به شخصی نسبت داد. به‌عبارتی، باید دلیل معقولی وجود داشته باشد که بتوان با اتکاء بر آن به دیگری ظن ارتکاب جرم داشت (ژوردن، ۱۳۸۲). به‌گفته پارتیس ژوردن^۱، داشتن ظن معقول و قوی را برای تعقیب قراردادن، مناط اعتبار بدانیم. زیرا شرافت و محترم‌بودن انسان‌ها اولی‌تر از آن است که با اتکاء به شک و یا ظنی نامعقول و بی‌اساس، کسی را مورد تعقیب قرارداده و محیط خطرناکی به‌وجود آوریم، زیرا هر تعقیب و گریزی تبعات و مخاطراتی را در پیش دارد که گاهی جبران‌نشدنی است. در برخی حوادث، مأمور مجاز به تعقیب و گریز است و ضمن تعقیب و گریزی که دارد، اختطاری که لازم باشد را می‌دهد. به‌عبارت ساده‌تر، دادن اختطار از وظایف او بشمار می‌آید؛ حال، در این تعقیب اگر پس از اقداماتی که می‌بایست انجام دهد، به هر دلیلی اقدام او منجر به خسارت

به فرد تحت تعقیب شود، مسئولیتی نخواهد داشت. البته، باید توجه داشت که رفتار متعارف در همه شرایط ملاک قرار داده خواهد شد، همانند آن‌که پلیس مجاز به تعقیب بوده و فردی که تحت تعقیب قرار گرفته است، در اثنای گریز به‌علت شتاب‌زدگی متضرر گردد و خسارتی ببیند و یا آن‌که به‌دلیل پریدن از ارتفاعی آسیبی متوجه او شود و یا شخص تحت تعقیب به دلیل عجله برای گریختن، کنترل خودروی خود را از دست بدهد و واژگون شود. در این گونه از موارد، رفتار متعارف پلیس لازم خواهد بود و همان‌طور که روشن است، در مثال‌های یادشده پلیس مسئولیتی نخواهد داشت و رفتار او با توجه به شرایط شغلی‌اش کاملاً متعارف است و می‌توان با استناد به قواعد عام مسئولیت مدنی، عدم مسئولیت را توجیه نمود. زیرا، پلیس نقش مستقیمی در ورود ضرر نداشته، بلکه به‌عنوان مسبب شناسایی می‌شود که تقصیری را مرتکب نشده است. همچنین، قاعده اتلاف هم جاری نخواهد بود، زیرا رابطه مستقیم با حادثه خسارت‌بار در این مورد منتفی است و رابطه پلیس و حادثه‌ای که سبب خسارت شده است، ارتباط مستقیمی باهم ندارند.

در مواردی که مأمور به‌صورت غیر مجاز، شخصی را تحت تعقیب قرار می‌دهد و شخص به این علت دچار ضرر و زانی می‌گردد، در برابر متضرر مسئول خواهد بود، زیرا در این حال، فعلی که از جانب مأمور انجام شده است، غیر مجاز بوده و تقصیر شناخته می‌شود و قاعده تسبیب بر آن حاکم می‌شود. در این مورد و موارد مشابه، مسئولیت و عدم مسئولیت مأمور به داشتن و یا نداشتن مجوز برای عمل ارتكابی او بستگی دارد، ضمن این‌که رفتار پلیس تعقیب‌کننده، باید مورد سنجش قرار گیرد و ملاک سنجش، رفتار متعارفی است که یک پلیس در موارد مشابه دارد. عملیات تعقیب پلیس به‌موجب قانون آیین دادرسی کیفری زمانی مجاز محسوب می‌شود که شرایط مقرر در قانون مذکور وجود داشته باشد. از جمله این شرایط این است که پلیس تعقیب‌کننده، ضابط دادگستری باشد و احراز عنوان ضابط‌بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذارندن

^۱. Patrice Jordan

استفاده از سلاح دارد، در ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح به نحو احصاء شده‌ای بیان شده است. از جمله شرایطی که مجوز استفاده از سلاح را به پلیس می‌دهد، در تبصره ۳ ماده ۳ قانون مذکور بیان شده است: "مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون، در صورتی مجازند از سلاح استفاده کنند که اول چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند و دوم، در صورت امکان مراتب: الف- تیر هوایی، ب- تیراندازی کمر به پایین و ج- تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند؛

۳- تفتیش، بازرسی و توقیف اموال اشخاص نظریه این که در نظام‌های حقوقی، مالکیت خصوصی بسیار مورد اهمیت است و به عنوان یک اصل مورد پذیرش، مالکیت خصوصی اشخاص باید محترم شمرده شود و کسی حق تعدی و دست‌درازی به آن را ندارد، هیچ شخصی، از مقامات قضایی تا ضابطین دادگستری، حق صدمه زدن به سلطه اشخاص، نسبت به اموالشان و زائل کردن کلی و یا جزئی، به صورت دائم و یا موقت آن را ندارد و تنها در مواردی که به صورت صریح و روشن، قانون تصریح به آن کرده است، واجد این اختیار است. بازرسی و تفتیش اموال توسط پلیسی که عنوان ضابط دادگستری را دارد، مطابق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم غیر مشهود، باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد اما اگر جرم واقع شده مشهود باشد، ماده فوق ساکت است، اما از نظر حقوق دانان و اصولی، باید اظهار داشت که از مفهوم مخالف ماده ۵۵ این چنین برداشت می‌شود که در جرائم مشهود، ضابط اختیار بازرسی و تفتیش اموال را بدون نیاز به کسب اجازه از مقام قضایی دارد. چنین تفسیری از ماده محل اشکال است، زیرا عدم تفکیک بین جرائم مشهود از نظر ساده بودن یا مشدد بودن آن باعث می‌شود که مأمور برای ارتکاب یک جرم ساده مشهود بدون کسب اجازه از مقام قضایی برای اجازه ورود به منازل، بازرسی و تفتیش اموال را داشته باشد. موارد این چنینی حقوق شهروندی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. با این حال، اگر توقیف غیر از موارد قانونی باشد که قانون به آن‌ها تصریح نموده است،

دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و گرفتن کارت ویژه مربوط است. در جرایم مشهود، مطابق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، این اجازه داده شده است که مأمور تمام اقدامات لازم، حتی بازداشت متهم را بدون نیاز به کسب اجازه از مقام قضایی انجام دهد. اشکالی که در این مورد به چشم می‌خورد، عدم تفکیک در نوع جرم ارتكابی از نظر شدت آن است، زیرا حتی ارتکاب یک جرم ساده به صورت مشهود این اختیار را به ضابط می‌دهد که اقدام به بازداشت وی کند.

زمانی که پلیس طبق مقررات در حال انجام وظیفه است، کسی حق ندارد در مقام دفاع مشروع با او مقابله کند. اما، مطابق ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی، اگر مأمور از حدود وظایف خود خارج شود و براساس قرائن موجود بیم آن رود که اقدامات او موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، می‌توان به استناد دفاع مشروع با پلیس مقابله کرد. ایرادی که به این ماده وارد است، عدم ذکر آزادی تن برای مجوز دفاع مشروع در برابر مأمور متخلف است، به بیان دیگر، اگر پلیس قصد بازداشت غیر قانونی فردی را داشته باشد، به موجب ماده فوق نمی‌تواند به استناد دفاع مشروع با مأمور مقابله کند و این نقض صریح حقوق شهروندی است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴).

۲- مسؤولیت مدنی ناشی از تیراندازی

در مواردی که تعقیب و گریز رخ می‌دهد و در روند تعقیب، پلیس اقدام به تیراندازی می‌کند و به علت تیراندازی و اصابت گلوله، شخص تحت تعقیب، مصدوم می‌شود و یا فوت کند، برای آن که پلیس مسؤول تلقی نگردد و مسؤولیت مدنی را برعهده او نگذاریم، وجود دو شرط لازم است: یکم، پلیس اجازه تعقیب و دستگیری شخص مورد نظر را داشته باشد که در بند قبل در مورد آن بحث شد، البته این شرط برای زمانی است که موضوع مأموریت پلیس تعقیب یا بازداشت کردن باشد، وگرنه در سایر موارد وجود این شرط لازم نیست. دوم، شرایط مقرر در قانون به- کارگیری سلاح مصوب سال ۱۳۷۳ را در نظر داشته باشد و مطابق آن اقدام به تیراندازی نکند. مواردی که مأمور حق

عمل انجام شده مجاز نیست و برحسب مواد قانونی، غضب تلقی می‌شود. در این صورت ید ضابطین و یا مقاماتی که نسبت به اموال چنین اقدامی کرده‌اند، ضمانتی خواهد بود. هنگامی که مأمور دولتی به‌عنوان مثال پلیس، مطابق قوانین و مقررات قانونی، برای توقیف مالی ورود می‌کند، مال توقیف شده نزد مأمورین صلاحیت‌دار، امانت به حساب می‌آید و با توجه به اصول حقوقی، اصطلاحاً ید امانی نسبت به مال مذکور دارد. یعنی، طبق ماده ۶۱۴ قانون مدنی، از آنجا که پلیس امین محسوب می‌شود، نسبت به تلف و یا نقصانی که در مال توقیف شده حادث شده است، مسؤولیتی ندارد. بنابراین، با توجه به ماده قانونی ذکر شده، اگر پلیس نسبت به مال توقیف شده مرتکب تعدی و یا تفریط شود، ید امانی او مبدل به ید ضمانتی خواهد شد و نسبت به خسارات وارده به مال توقیف شده مسؤولیت مدنی دارد، اگر خسارات از قوای قاهره ناشی شده باشد؛ زیرا، او به محض تعدی و تفریط، دارای مسؤولیت مطلق می‌شود. در نتیجه، در خصوص اموال توقیف شده، بایستی با توجه به نوع مال، شرایط مناسب برای نگهداری آن را مهیا ساخت و تعدی و تفریطی از جانب پلیس رخ ندهد و اگر پلیس مطابق مقرراتی که موظف به انجام و اعمال آن‌هاست عمل نماید و مالی را توقیف کند و تقصیری هم از سمت او اتفاق نیفتد، شخص توقیف‌کننده مسؤولیتی در برابر خسارات احتمالی نخواهد داشت.

• جبران خسارات ناشی از تقصیر پلیس

در رابطه با مسؤولیت مدنی پلیس تحت عنوان قاعده‌ای عام باید اظهار داشت که در مواردی که مأمور دولت و پلیس اقدامی غیر مجاز انجام دهد، یا این که اقدام او آمیخته با خطایی باشد و در نتیجه، به همین علت خسارتی به غیر وارد گردد، متعهد به جبران خسارت خواهد بود. با توجه به قاعده عمومی، مسؤولیت مدنی و شمول مسؤولیت مدنی ناشی از عملیات پلیسی، می‌توان عنوان کرد که مسؤولیت مقامات پلیسی به دو صورت کلی مسؤولیت ناشی از فعل و مسؤولیت ناشی از ترک فعل متصور است. همان‌طور که

پیش‌تر ذکر شد، در مسؤولیت حاصل از فعل، منظور آن عملی است که مقامات پلیس در راستای اجرای وظایف خود به آن مبادرت می‌کنند. اگر این فعل بی‌واسطه موجب حادثه زیان‌بار شود و با تقصیر همراه باشد، ضابطان در مقابل زیان دیده، اعم از شخصی که مورد عملیات پلیسی قرار گرفته یا سایر اشخاص به‌عنوان مباشر مقصر، مسؤول هستند. اگر ضابطان در حین انجام وظایف شغلی خود، مرتکب تقصیری نشده باشند، هر چند مطابق قاعده اتلاف، مسؤولیت متوجه اوست و مسؤول شناخته می‌شود، اما با توجه به این که ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی در مقام تعیین تکلیف مسؤولیت مأمور دولت است و سکوت قانون‌گذار به معنای ارجاع به سایر قوانین نیست، بلکه حکایت از عدم مسؤولیت مأمور در فرض فوق دارد. در صورتی که، ضابطان با وجود واسطه‌ای موجب خسارتی می‌شوند، در صورتی مسؤولیت برعهده آن‌ها است که عمل ارتكابی غیر مجاز و یا به تعبیر مناسب‌تر همراه با تقصیری باشد. اگر تقصیری رخ نداده باشد، با توجه به این که تسبیب مبنای قاعده است، رابطه سببیت منتفی و در نتیجه مسؤولیت هم منتفی خواهد بود (پناهی و همایی، ۱۳۹۶).

هرگاه پلیس در اجرای وظایف و اختیارات خود، مرتکب تقصیر شود و به تسبیب، زمینه‌ساز ورود خسارت گردد، بایستی آن را جبران نماید. مقررات قانون مدنی در مورد تسبیب و لزوم جبران خسارت عمومیت دارد و تمامی صاحبان حرفه و مشاغل را دربرمی‌گیرد، زیرا استثنایی بر قاعده مذکور در ماده ۳۳۱ قانون مدنی وجود ندارد. تنها تفاوت در این است که برای احراز تقصیر پلیس به خصوصیات و نکات، ضوابط و اصول فنی و حرفه‌ای پلیس توجه می‌شود و کارشناس در مقام احراز تقصیر پلیس مکلف است، ضوابط حرفه‌ای پلیس را لحاظ نماید. تسبیب به‌عنوان یکی از منابع مسؤولیت مدنی پلیس اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در بسیاری از موارد اقدامات و اعمال پلیس به صورت غیر مستقیم، سبب ورود خسارت می‌گردد و از این جهت نقش این قاعده (تسبیب) در جریان خسارات وارده، به وسیله پلیس بیشتر آشکار می‌شود (دهقانی، ۱۳۹۰).

بحث و نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی، حقوقی است که یک شهروند از لحاظ تعلق سیاسی، تابعیت و ملیت داراست. به موجب قوانین مختلف در ایران وظایفی برعهده پلیس قرار داده شده است، از جمله برخورد متواضع با شهروندان، حفظ کرامت انسانی، امانت‌داری، محرم اسرار بودن و به‌طور کلی حفظ حقوق شهروندی است که در هر جامعه‌ای رعایت آن الزامیست. به‌منظور این‌که شهروندی در راستای انجام وظایف پلیس موجب خسارت نشود یا اگر بی‌گناه است بتواند بی‌گناهی خودش را ثابت کند، رعایت حقوق شهروندی به‌وسیله پلیس از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. پلیس با توجه شغل و وظیفه خاصی که برعهده دارد، دائم با شهروندان و حقوق آن‌ها در ارتباط مستقیم است و احتمال نقض این حقوق به‌واسطه پلیس زیاد است. پلیس حق ندارد به بهانه انجام وظایف قانونی خود در راستای حفظ نظم و امنیت و غیره حقوق شهروندی را نادیده بگیرد. در همین خصوص، برقراری نظم، از جمله وظایف ذاتی پلیس است که امکان دارد در حین اجرای این وظیفه یا سایر وظایف محوله، در اثر نقض حقوق شهروندی خساراتی متوجه شهروندان گردد. ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاب می‌نماید، هرگونه خسارت وارد شده‌ای به‌وسیله هر شخصی جبران شود. بنابراین، در این خصوص مسئولیت مدنی پلیس مطرح می‌شود و مطابق اصول حقوقی نظام حقوقی ایران، مسئولیت براساس تقصیر خواهد بود و پلیس بر همین اساس دارای مسئولیت مدنی می‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که چنان‌چه پلیسی در راستای انجام وظایف محوله، خسارتی را متوجه شهروندان عادی کند که دخالتی در موضوع مورد تنازع پلیس با طرف مقابل ندارند، دولت مسؤول جبران خسارت وارده است، البته دولت نیز در صورتی‌که پلیس در ایجاد خسارت وارده مقصر باشد، حق مراجعه به مأمور متخلف را دارد.

رعایت حقوق شهروندی، از جمله مؤلفه‌هایی است که بر دوام دولت‌ها و عملکرد بهتر پلیس مؤثر است.

در شریطی که پلیس در اجرای عملیات مرتکب تقصیر می‌شود، در مورد مسؤول بودن او اختلافی نیست، اما پرسش این است که آیا شخص زیان‌دیده فقط حق مراجعه به مأمور مقصر را دارد یا حق مراجعه مستقیم به دولت را نیز دارد؟ ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در این باره سخنی نگفته است. اما، مواد ۱۴۵ و ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مواردی را بیان می‌کند که تقصیر مقام قضایی باعث ایراد خسارت شده است و دولت را مکلف به جبران آن می‌داند، اما دولت پس از جبران خسارت حق رجوع به مقصر را دارد، اگرچه این مواد در مورد تقصیر مقام قضایی است، اما به‌رحال به‌عنوان یک مأمور دولت شناخته می‌شود و قابل سرایت به سایر مواردی که مأمور دولت مرتکب تقصیر می‌شود، از جمله پلیس نیز است.

در فرضی که پلیس در خسارت وارده مرتکب تقصیری نشده است، دو حالت متصور است: یک، نقص وسایل و تجهیزات مورد استفاده پلیس، براساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، جبران خسارت به‌طور کامل برعهده دولت است. اما انتقادی که به این ماده وارد است، این است که نقص وسایل ادارات و مؤسسات در ماده فوق‌قدری ابهام‌آمیز است و قابلیت تفسیر دارد و باعث می‌شود مأموری که مرتکب تقصیر شده است را دربرگیرد، یا به‌بیان دیگر، مأمور تقصیر خود را منتسب کند به نقص وسایل اداری و از این طریق از زیر بار مسئولیت فرار می‌کند. دو، در خسارت وارده نه مأمور تقصیری دارد و نه وسایل اداری ناقص بوده است، در این فرض اگر زیان‌دیده مستحق چنین خساراتی نباشد، دولت مکلف به جبران خسارت است.

پلیس در انجام وظایف محوله بایستی با احتیاط کامل عمل کند و سعی کند اصول و ضوابط فنی و شغلی خود را رعایت نماید، در غیر این صورت، چنان‌چه تقصیر وی احراز شود، ملزم به جبران خسارت خواهد بود. بنابراین، در هر موردی از افعال و اقداماتی که پلیس انجام داده است، خسارتی به بار بیاید باید تقصیر محرز گردد و همان‌گونه که اظهار شد، ملاک سنجش تقصیر در این مقوله رفتار پلیس متعارف با در نظر گرفتن ضوابط حرفه‌ای و شغلی، خواهد بود.

منابع

- ۲- شهروندی متهمان (در تحقیقات مقدماتی) فصلنامه دانش انتظامی، (۱۲) ۳، صص ۲۰۳-۲۴۴.
- <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=153418>
- ۳- پناهی، آرزو و همایی، امین. (۱۳۹۶). نقض حقوق شهروندی در عملیات پلیسی ناظر بر تحقیقات مقدماتی و ضمانت اجرای آن. نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروندی، صص ۱ تا ۲۰.
- <https://civilica.com/doc/714776/>
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۰). ترمینولوژی حقوقی. چاپ سی و سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- <https://viraketab.com/book/5327/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AA%D8%B1%D9%85%DB%8C%D9%86%D9%88%D9%84%D9%88%DA%98%DB%8C-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%AC%D8%B9%D9%81%D8%B1-%D8%AC%D8%B9%D9%81%D8%B1%DB%8C-%D9%84/>
- ۵- دهقانی، محمد. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- <https://elmnet.ir/article/10513023-41152/%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C-%D9%BE%D9%84%DB%8C%D8%B3-%D8%AF%D8%B1-%D9%82%D8%A8%D8%A7%D9%84-%D9%86%D9%82%D8%B6-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86>
- ۶- رحیمی، حبیب اله و خیاطی گرگری، ماهدیس. (۱۳۹۵). نقش زیان دیده در مسئولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس). فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، (۱۷)، صص ۹-۴۰.
- <http://doi.org/10.22054/jplr.2017.7124>
- ۷- ژوردن، پاتریس. (۱۳۸۲). اصول مسئولیت مدنی. ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
- <https://www.mizan-law.ir/Book/Details/323>
- ۸- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۴.
- <http://laws.tehran.ir/Law/MainLawView/158>
- ۹- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- <https://dotic.ir/news/5584/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%A2%D9%8A%D9%8A%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%B3>
- رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس، در واقع احترام به مردم است و باعث خوشنودی مردم از حکوت می شود. حکومت هایی که به حقوق شهروندی توجه لازم ننموده اند، عمر بسیار کمی داشته اند. برای بهبود هرچه بهتر رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس پیشنهادات زیر ارائه می شود:
- ۱- یکی از بهترین موارد در رعایت حقوق شهروندی به وسیله پلیس که از هر قانون گذاری مؤثرتر است، فرهنگ سازی در این زمینه است. یعنی، ایجاد فرهنگ ترویج حقوق شهروندی، مانند آگاهی اقبال مختلف جامعه از حقوق قانونی خود که صدا و سیما ملی در این زمینه می تواند کمک بزرگی کند.
- ۲- برگزاری دوره های آموزشی مختلف برای مأموران پلیس و آگاهی آن ها نسبت به حقوق شهروندان و اهمیت رعایت آن و مطلع کردن آن ها از عواقب نقض حقوق شهروندی که می تواند مسئولیت های مدنی و کیفری را همراه داشته باشد.
- ۳- وضع مجازات های شدیدتر برای ناقضان حقوق شهروندی.
- ۴- اصلاح ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی، زیرا مطابق ماده مذکور اگر مأموری برخلاف قانون قصد بازداشت کردن فردی را داشته باشد، این فرد در مقابل آزادی تن خود حق مقابله با پلیس را ندارد و همین موضوع زمینه سوء استفاده پلیس را ایجاد می کند.
- ۵- اصلاح ماده ۴۴ و ۵۵ آیین دادرسی کیفری، زیرا مطابق این مواد، پلیس این اختیار را دارد تا در تمام جرائم مشهود اقدام به بازرسی و تفتیش اموال متهم کند و یا وی را بازداشت کند. در حالی که قانون گذار باید بین جرائم ارتكابی مشهود تفاوت قائل شود و به پلیس چنین اختیاری ندهد که حتی در جرائم بسیار ساده نیز حق تفتیش یا بازرسی یا بازداشت داشته باشد.
- ۱- بیرانوند، رضا؛ کوشا، جعفر؛ هاشمی، حمید و رنجبر، رضا. (۱۳۸۹). وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق

[%D9%8A-%D9%83%D9%8A%D9%81%D8%B1%D9%8A](#)
-۱۰ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). *واقایع حقوق، چاپ هفدهم*. تهران، شرکت سهامی انتشار.

<https://www.gisoom.com/book/11290365/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%D8%A7%D8%AA%DB%8C-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C-%D9%88%D9%82%D8%A7%DB%8C%D8%B9-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82%DB%8C-%D9%85%D8%B3%D9%88%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C/>

-۱۱ یزدانیان، علیرضا. حسین آبادی، امیر و صفایی، سید حسین. (۱۳۸۶). *حقوق مدنی قواعد مسئولیت مدنی*. جلد اول چاپ اول، تهران: نشر میزان.

<https://www.gisoom.com/book/1495591/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C-%D9%82%D9%88%D8%A7%D8%B9%D8%AF-%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85%DB%8C-%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C-%D8%AC%D9%84%D8%AF-1/>

-۱۲ هاشمی، سید محمد؛ عباسلو، بختیار و سوادکوهی، سام. (۱۴۰۰). *فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن لا*. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، (۲۳)، ۱، صص ۲۲۷-۲۶۰.

http://journals.police.ir/article_96797.html

